ارزش زن در دینهای «آسمانی»



مترجم و نویسنده: دکتر احمد ایرانی   لس آنجلس - بهار ۱۹۹۸

نام دفتر: ارزش زن در دین های "آسمانی"

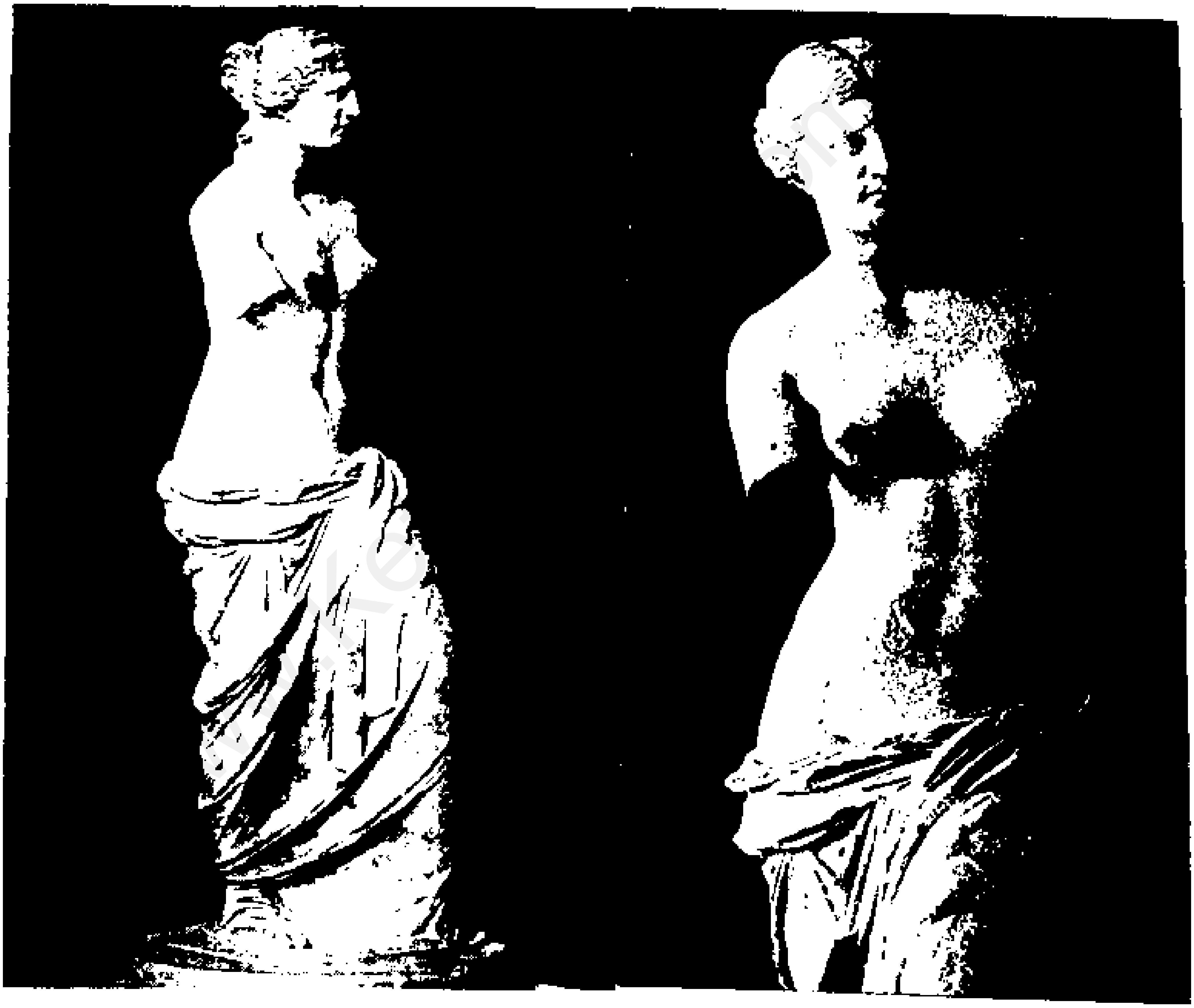
مترجم و نویسنده: دکتر احمد ایرانی

محل چاپ: لس آنجلس

چاپ اول: بهار ۱۹۹۸

چاپ دوم: بهار ۱۹۹۹

ارزش زن در دینهای «آسمانی»



مترجم و نویسنده: دکتر احمد ایرانی لس آنجلس ـ بهار ۱۹۹۸

فهرست گفتارها

عنوان | **صفحه**

شرح عکس روی جلد: پیام آور اسلام سوار بر «زن ـ اسب» به سوی الله



پیش گفتار

نویسندگان کتابهایی که «آسمانی» و «مقدس» نامیده شده اند همگی مرد بوده اند. این مردان ـ به شهادت نوشته هایشان ـ به جنس زن با نظر تحقیر نگاه می‌کرده اند و برتری‌مرد بر زن از دیدگاه آنان بی چون و چرا بوده است.

دین و مذهب ـ به ویژه انواع «آسمانی» آن ـ پدیده ای است ساختهٔ مردان خودپرست و به همین جهت مجموعه ای از نظرها و اندیشه هایی به شدت «مردانه» و زورگویانه است. جنس زن در پیدایش افکار دینی یا مذهبی نقشی نداشته است.

نویسندگان و گردآورندگان کتابهای یهودیت، مسیحیت و اسلام نظرها و اندیشه های خود را ـ که بسیاری از آنان اشتباه و غیراخلاقی نیز بودند ـ به خدا نسبت دادند و آنها را ازلی، ابدی، تغییرناپذیر، الاهی و آسمانی اعلام کردند.

موضوع پیدایش نوع انسان که در این کتابهای به اصطلاح آسمانی به صورت افسانهٔ «آدم وحوا» بیان شده بزرگترین تبعیض و اهانت را نسبت به جنس زن روا داشته است. براساس این افسانهٔ باستانی که در تورات، انجیل و قرآن ـ با دستکاریها و برداشتهای گوناگون ـ بیان شده است نخستین زن یا حوّا انسان کاملی نیست؛ برای آسایش و همدمی نخستین مرد یا آدم آفریده شده؛ انسان درجهٔ دومی است که به سادگی فریب می خورد و در نتیجه خشم، غضب و نفرین خدا را سبب می شود.

دینهای سامی یا خاورمیانه ای بنیادگذاران و آغازکنندگان ظلم و ستمی برجنس زن هستند که به آنها جنبهٔ آسمانی داده شده است. اگر مرد برتر اززن

است و اگر زن باید فرمانبردار مرد باشد دلیل آن چیزی جز خواست خدا و فرمان الاهی نیست. خدایی که از جنس مرد و مذکر است و خدایی که مردان آنرا ساخته اند تا افکارشان را به او نسبت بدهند جز مرد و مذکر نمی توانـد بـاشد. دنیـای «روحانیت» دنیای ویژهٔ مـردان است. زنـان هـرگز شـایستگی ورود بـه دنیـای روحانیت را ندارند و هرگز نمی توانند فردی «روحانی» باشند. تصور این که خدا امکان دارد «زن» باشد بزرگترین کفر در این دینهای «خدا ـ مرد» شمرده می شود.

از آغاز پیدایش یهودیت، مسیحیت و اسلام ـ بـه ویـژه در دورانهـایی کـه روحانیان این دینها دارای قدرت بوده اند ـ جنس زن با نابرابری شدید و ظلم و ستم روبرو بوده است. در کشور ما ایران نیز از آغاز پیدایش و گسترش اسـلام زنان ایرانی با تبعیض نمایان و ستم بسیار روبرو بوده اند. از زمانی کـه انـقلاب مردم ایران در بهمن ۱۳۵۷ ازسوی شیادان روحانی و گروههای خائن به انقلاب از مسیر مردمی خود خارج شد میزان ظلم و ستم بر زنان ایران زبانزد جهانیان و مایهٔ شرمساری در سراسر جهان شده است.

هم اکنون زنان ایران در نتیجهٔ چیرگی شیادان جـامعه، سـخت تـرین دوران زندگی خود را می گذرانند. بختکی به نام اسلام و کابوسی به نام مـذهب شیعه آنان را در زیر سنگینی خود خرد می کند.

وظیفهٔ روشنفکران مبارز برچیدن این نظام ستمگر و آگاهانیدن تـوده هـای مذهبی از ماهیّت دینهایی است که ادعای آسمانی دارند. مردم را باید از این نکته آگاهانید که این دینها را «مردان زمینی» ساخته اند؛ مردانی زورگو، خودپرست، غیرطبیعی و ضد زن.

این دفتر که در نهایت فشردگی یا اختصار تهیه شده تلاشی است برای اثبات نکتهٔ بالا.

بخش اول

در آغاز (دورانهای باستان)، مردم «الاههٔ زندگی» را نیایش می کردند، مالک آسمانها را. در آغاز پیدایش دین، خدا زن بود.
مرلین استون

* * *

به همان کسی که تصمیم گیرنده است، الاههٔ همهٔ چیزها؛ به بانوی آسمان و زمین که پذیرای نیایشهاست؛ به همان کسی که نیازها را می شنود؛ همان که به نیایشها پاسخ می دهد؛ به الاههٔ مهربانی که راستی را دوست می دارد؛ ایزدبانو «ایشتار» او که سردرگمیها را می پراکند... ملکهٔ آسمانها؛ ایزدبانوی هستی؛ به کسی که بر روی آشفتگیهای هراس انگیز گام برداشت و زندگی آفرید با فرمان عشق؛ از درون آشفتگی برای ما هماهنگی به ارمغان آورد، و تو از درون آشفتگی با دستانت راهنمای ما شدی...

بابل، قرن ۱۸ تا ۷ پیش از مسیح

* * *

تو ای الاههٔ خورشید، ای آرینا! تو آسمانی ارجمندی هستی؛ نام تو در میان نامها والاست، جایگاه آسمانی تو بین افلاکیان والاست؛ به راستی بین آسمانیان تنها تو ای ایزد بانوی خورشید محترم هستی؛ بزرگ هستی تو ای الاههٔ خورشید آرینا؛ به راستی هیچ آسمانی دیگری با تو سنجیدنی نیست؛ هیچ آسمانی دیگری به بزرگی واحترام تونیست... تو سلطان چیره برآسمان و زمین هستی.
ترکیه، ۱۵ قرن پیش از مسیح، بغازکوی

* * *

در آغاز «آیسیس» بود. کهن سال ترین سالخوردگان، او الاهه ای بود که همهٔ عالم هستی ازاو برخاست. اوبانویی بود بزرگ، فرمانروای سرزمین مصر، فرمانروای پناهگاه، فرمانروای افلاک، فرمانروای جایگاه زندگی، فرمانروای گفتار خدا. او بی همتا بود. در همهٔ کارهای بزرگ و شگفت انگیزش جادوگری داناتر بود و برتر از هر خدایی.

مصر، ۱۴ قرن پیش از مسیح، تبیز[1]. (زیرنویس صفحه بعد)

زن در جایگاه الاهه یا ایزد بانو

کشف آثار و نشانه های باستان شناسی و نیز بررسی های اسطوره شناسی نشان داده اند که در دوران های پیش از پیدایش دین های تک خدایی یا سامی مردمان دوران باستان دارای خدایان زن یا الاهه بوده اند و آنها را ستایش می کرده اند. **باستانی ترین یا کهن ترین کیش یا آیین، زن پرستی بوده و زنان پرستیدنی دارای عنوان الاهه یا ایزد بانو (Goddess) بوده اند.** برخی از این کیشها یا آیینها حتا در ۲۵۰۰۰ سال پیش نیز وجود داشته اند.

مردمان دوران باستان در سرزمین هایی چون مصر، بابل، کنعان، یونان و بخشهایی از استرالیا، افریقا و چین پرستندهٔ الاهه ها یا ایزد زنان گوناگون بوده اند. آثار باستان شناسی کشف شده در سرزمینهایی که هم اکنون خاورمیانه نامیده می شوند و نیز آثار کهن متعلق به قومهای باستانی که در مصر، هند، چین، ایران و برخی دیگر از سرزمینهای جهان از دل خاک بیرون آمده اند همگی گواهی می دهند که ملت ها وقومهای باستانی الاهه های فراوان داشته اند. از سوی دیگر، پژوهش در معنا و مفهوم اسطوره های این ملت ها و قوم ها به روشنی ثابت می کند که مردمان دوران باستان به جنس زن با دیدهٔ ستایش و حتا پرستش می نگریسته اند.

بسیاری از خدایان سرزمینهای خاورمیانه و خاورنزدیک دارای لقب «ملکهٔ آسمانها» بوده اند. در اسطوره ها یاافسانه های باستانی مصریان، سومریان، بابلیان، یونانیان و در افسانه های چینی، استرالیایی و افریقایی **آفرینندهٔ جهان هستی و الاههٔ زمین و آسمان زن بوده است.** بسیاری از مردمان دورانهای پیش از تاریخ یا پیش از پیدایش دینهای سامی، زن را نماد یا مظهر آفرینندگی، زایش، زیبایی، مهربانی، دانایی و آرامش می دانسته اند. از دیدگاه مردمان دوران باستان از آنجاکه فقط جنس زن توانایی زایش و تولید مثل را داشت کل جهان هستی را

---

۱. گفته های بالا از کتاب «نامه های بهشت»، نوشتهٔ خانم «مرلین استون» ترجمه شده اند.
The Paradise Papers, Merlin Stone, Virago, 1976

نیز «مادر هستی» زاییده است. این خدا ـ زن **«ملکهٔ»** آسمانها نیز بوده است.

براساس پژوهشهایی که در کتاب «نامه های بهشت» چاپ شده اند در دورانهای پیش از یهودیت، مردم زنی را که «آفرینندهٔ زندگی» بود می‌پرستیدند و او را «مالک عالم هستی» می دانستند. [1] بسیاری از مردم کنعان، آناتولی (ترکیه)، عربستان، استرالیا و نیز قبیله هایی در هند، ژاپن و اسکیموها به «الاههٔ خورشید» باور داشتند و نور وگرما را نماد یا مظهری از جنس زن می دانستند. در مصر «ایزد بانوی» زایش و عشق «ایسیس» (Isis) نام داشت که بعدها یونانیان و رومیان نیز او را با عنوان الاهه پذیرفتند و می پرستیدند. بسیاری از بتها و مجسمه های پرستیدنی در دوران باستان و پیش از پیدایش یهودیت دارای پستان بوده اند. **اَبَر بانویی به نام «ایشتار» Ishtar یکی از ارجمندترین الاهگان به شمار می رفت. او ایزد زن عشق و جنگ بوده و از دیدگاه بابلیان و آسوریان نیز برترین الاهه شناخته می شد.** الاهه ای که نماد یا مظهر شکار برای یونانیان باستان بود «آرتمیس» (Artemis) نام داشت. الاههٔ یونانی به نام «دیمیتر» (Demeter) ایزد زن باروری و فراوانی درکشاورزی بود. «ایسیس» مصری و «دیمیتر» یونانی آورندگان قانون و آموزگاران راستی و درستی نیز بودند. اَبَر بانویی در مصر به نام «مآت» (Maat) نمایندهٔ هماهنگی و راستی بود در جهان هستی. مردمان بین النهرین «ایشتار» را راهنمای مردم، پیام آور و «ملکهٔ بینش» می دانستند. پژوهشهای باستانی در جایگاه زندگی «ایشتار» این ایزد زن بزرگ نشان داده اند که **در دوران باستان، زنان در نقش قاضی یا داور در جامعه انجام وظیفه می کرده اند.**

«آرتمیس» یونانی که همان «دیانا» (Diana) در روم باستان است ابر بانوی زایش و شکار بوده است. در یونان نماد یا مظهر دانایی و جنگ «آتنا» (Athena) نام داشته است. بزرگ زنی به نام «آفرودیت» (Aphrodite) در یونان الاهه عشق و زیبایی بوده و بعدها در روم باستان «ونوس» (Venus) خوانده می شود.

مردمان دوران باستان در سرزمین آناتولی (ترکیه) ایزد زنی به نام «آرینا» را به همراه دو دختر و نوهٔ دختری او از الاهگان می دانستند. در هند زنی به نام «ساراواتی» (Saravati) الاههٔ خط و مخترع نوشتن به شمار می رفته و ایرلندیان باستان بزرگ بانویی به نام «بریجیت» (Brigit) را پشتیبان زنان می دانسته اند. سومریان زنی به نام «نیدابا» (Nidaba) را مخترع لوحه های گلی و خط می دانستند. **سومریان براین باور بودند که کاتب یانویسندهٔ پیامهای آسمانی یک زن است.** در

بین النهرین آموزندهٔ کشاورزی ابربانویی به نام «نین لیلی» (Ninlili) بوده است. الاههٔ هوش و دانش در بین ایرلندیان باستان زنی به نام «سریدون» (Cerridwen) بوده است.

زن ایرانی در ایران باستان

در اسطوره های زرتشت، در ایران باستان، از شش «امشاسپند» یا «فرشتگان مقدس»، سه فرشتهٔ بزرگ زن بوده اند. یکی از این فرشتگان زن، دختر «اهورامزدا» به شمار می رفته و «مادر زمین» لقب داشته است. «آناهیتا» (Anahita) یا ناهید در آیین زرتشت اَبَرفرشته ای است که نگهبانی از آب با اوست و هم اوست که جریان شیر را در پستانهای زنان باردار روان می سازد و زایمان را برآنان آسان می‌کند. «مرتضی راوندی» در کتاب «تاریخ اجتماعی ایران» از قول ویل دورانت می نویسد: «در زمان زرتشت پیغمبر، زنان همان گونه که عادت پیشینیان بود منزلتی عالی داشتند. **باکمال آزادی و با روی گشاده** در میان مردم رفت و آمد می کردند و صاحب ملک و زمین می شدند و در آن تصرفات مالکانه داشتند و می توانستند مانند اغلب زنان روزگار حاضر، به نام شوهر خود یا به وکالت از طرف اوبه کارهای مربوط به او رسیدگی کنند.[۲]»

پژوهشهای بیشتر خاورشناسان و ایران شناسان نشان داده اند که زنان ایرانی در دوران فرمانروایی هخامنشیان از قید وبندهای مربوط به حجاب یا خودپوشانی آزاد بودند و فقط زنان وابسته به حاکمان و پرنفوذان محدودیت هایی داشتند.

«راوندی» در مورد شرکت زنان در کوششهای سیاسی ـ اجتماعی در دوران ساسانیان می نویسد: «از حدود مداخلهٔ زنان در فعالیتهای سیاسی اطلاعی نداریم، آنچه مسلّم است سلطنت و فرمانروایی زنان اشکال قانونی نداشته است، چنان که پس ازمرگ یزدگرد در سال ۴۴۷ بین فرزندان او برسر جانشینی جنگ درگرفت.

---

۱. بسیاری از مردمان دوران باستان از نقش مرد در فرزندزایی زن بی خبر بودند و به همین دلیل جنس زن را تنها عامل زایش، تولید مثل، فراوانی و آفرینندگی می دانستند.

۲. تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، جلد اول، مؤسسهٔ انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۷، صفحهٔ ۴۷۱.

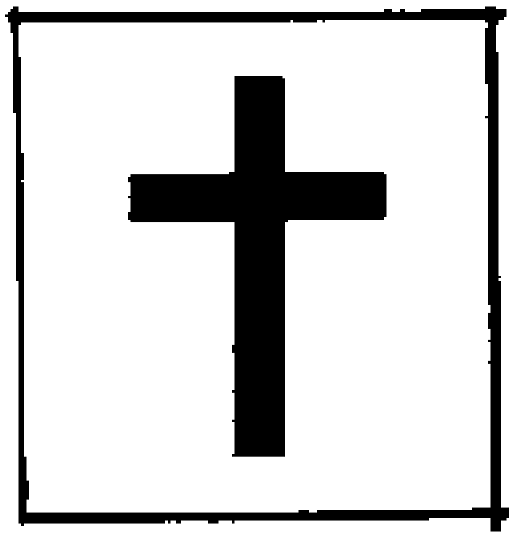
در مدت جنگ این دو شاهزاده، مادرشان که «دینگ» نام داشت، در تیسفون سلطنت می کرد.[۱]» در دوران ساسانیان نیز به مانند زمان هخامنشیان، زنان ازنظر حجاب یا خودپوشانی از قید و بند آزاد بودند، دوش به دوش مردان در کوششهای تولیدی ـ اقتصادی شرکت داشتند و فقط زنان طبقات ممتاز جامعه محدودیت هایی داشتند. ازسوی دیگر می دانیم که در دوران ساسانیان زنانی چون «آذرمیدخت» و «پوراندخت» و «همای» پادشاه ایران زمین شدند.

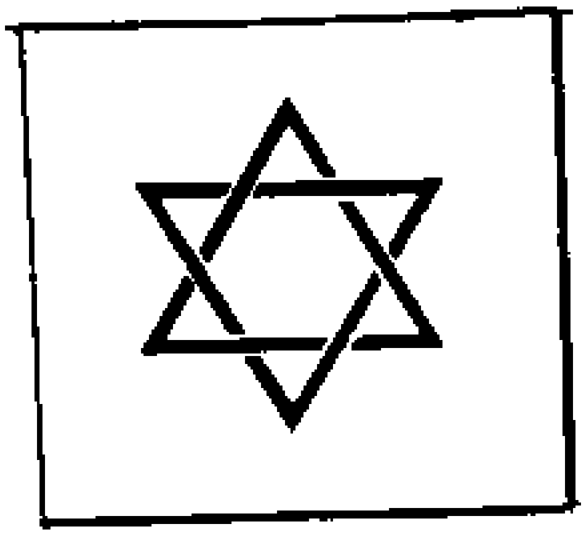
اشاره ای به جایگاه زن در عربستان پیش از اسلام

«دکتر روشنگر» در کتاب «بازشناسی قرآن» از قول پروفسور «ویلکن» (Wilken) می نویسد: «دختران در عربستان قبل از ظهور اسلام در قبول شوهر آیندهٔ خود اختیارکامل داشتند و برای مثال خدیجه را ذکرکرده است که شخصاً محمد را برای زناشویی انتخاب و به وی پیشنهاد ازدواج کرد.[۲]» وی می افزاید: «**اسلام شناسان معروف جهان و از جمله بعضی از نویسندگان عرب مسلمان، معتقدندکه زن در فرهنگ عرب قبل از اسلام، مقامی به مراتب برتر از آنچه اسلام برای زنان به ارمغان آورد، داشته است.** از جمله «مارتین هاتمن» از شرق شناسان بزرگ و «عبدالله عفیفی» در «مرآت العربیه» گفته اندکه اسلام ارزش و حقوق انسانی زنان را مخدوش و آنانرا به صورت آلات تملک مردان درآورد.[۳]»

پژوهش ها و کتاب هایی که «دکتر روشنگر» از آنها نام برده است نشان می دهندکه در عربستان، پیش از بنیادگذاری دین اسلام، **زنان به شغل قضاوت می پرداخته اند، حق طلاق داشته اند، در انتخاب همسر اختیار داشتند، در جنگ شرکت می کردند،** به دادوستد و بازرگانی می پرداختند، از آزادی مذهبی برخوردار بودند و مجبور به پیروی از معتقدات فکری همسران خود نبوده اند. از شیوهٔ زندگی و جایگاه اجتماعی «خدیجه» نخستین همسر محمد به عنوان یکی از نمونه های چگونگی مقام زن در جامعهٔ عربستان پیش از ادعای پیام آوری محمد نام برده شده است.

زیرنویس ها در صفحه بعد





بخش دوم

درد ترا به هنگام زایمان چندین برابر خواهم کرد؛ تولد کودکانت دردآلود خواهد بود و هنوز به شوهرت گرایش خواهی داشت و او برتو فرمانروایی خواهدکرد.

نفرین «خدای مرد» بر نخستین زن، کتاب «مقدس»، سِفر پیدایش

* * *

ـ و آدم فریب نخورد، اما زن که فریب خورده بود خطا کار بود.

ـ همهٔ گناهکاریها در برابر گناهکاری زن چیزی نیست.

ـ روح خود را به زن مسپارید.

ـ بگذار زن در سکوت بیاموزد و زیرسرپرستی. اما زن نباید آموزش بدهد و یا تسلط بر مرد را غصب کند، سکوت اختیار کند.

ـ اگر می خواهند چیزی یاد بگیرند، بگذار در خانه ازشوهرانشان بپرسند. زیرا برای زن شرم آور است که در کلیسا سخن بگوید.

آموزشهای تورات و انجیل

* * *

ستایش می کنم ترا ای پروردگار! خدای ما، پادشاه عالم، کسی که مرا زن نیافرید.

دعای روزانهٔ مردان متدین یهودی، دعای الوهانشاما

---

۱. همان کتاب، صفحه ٦٦٥.

۲. بازشناسی قرآن، دکتر روشنگر، انتشارات پارس، سان فرانسیسکو، ۱۹۸۵، صفحهٔ ۲٦۸.

۳. همان کتاب، صفحه ۲٦۴.

آغاز زبونی و بی ارزشی زن

پژوهش های علمی که به وسیلهٔ دین شناسان به انجام رسیده اند همگی نشان می دهند که کتاب های دینی یا مذهبی که به نام «کتاب مقدس» نامیده شده اند به وسیلهٔ مردان نوشته شده اند. **این نویسندگان خدایشان نیز مرد یا مذکر بوده است.** به همین دلیل است که این «خدای مردساخته» نخست جنس مرد یا مذکر را می آفریند، از نَفَس خود به او می دمد و مرد را به شکل خودش می آفریند. براساس نوشته های تورات و انجیل در «سفر پیدایش»، آفرینش نخستین مرد یا «آدم» از دیدگاه خدا هدف است. اما این نخستین مرد یا «آدم» احساس تنهایی می کند و به همدم، یا ریا جفت نیاز دارد. براساس این نیاز و برای آسایش نخستین مرد، حوّا یا نخستین زن نیز آفریده می شود. به این ترتیب آفرینش حوّا برخلاف آفرینش آدم که هدف بود فقط وسیله است؛ وسیلهٔ همدم، یار و جفت بودن برای نخستین مرد. **افسانهٔ آفرینش آدم و حوا از همان آغاز با نابرابری نمایان یا تبعیض بزرگ همراه است.** افزون براین، برای آفریدن یک زن کامل، یک دندهٔ مرد کافی است و به این ترتیب خدای نویسندگان مرد با بیرون کشیدن یک دندهٔ نخستین مرد از بدن او نخستین زن را خلق می کند. در بدن آدم روح خدا دمیده شده اما حوا فقط جسم یا تن است. جسم نیززیر فرمان هوس و خواستهای حیوانی است. حوا موجودی ناقص است و زمانی کامل می شود که یار و جفت آدم شود وبا او بیامیزد. حوّا زنی است ساده دل و آمادهٔ فریب خوردن و به همین دلیل است که مار به سادگی اورا می فریبد و نخستین زن باخوردن میوهٔ ممنوع از فرمان بزرگ خدا سرپیچی می کند. علاوه بر این، حوّا نخستین مرد یا آدم را نیز فریب می دهد و سبب می شود تا اونیزمیوهٔ ممنوع را بخورد. حوا نخستین گناهکار بزرگ تاریخ بشر است.

تصویری که کتابهای «مقدس» سامی از زن به ارمغان می آورند تصویری زیبا و احترام آمیز نیست. خانم «مارلین استون» نویسندهٔ کتاب «نامه های بهشت» می گوید: **«یکی از هدفهای بزرگ افسانهٔ آدم وحوّا سرکوبی اندیشهٔ «زن خدایی»،**

زن سالاری، پرستش الاهه ها یا ایزدبانوانی بود که بین ملت ها و قومهای باستانی رایج بود.» آموزشها واحکام «تورات» برتری بی چون و چرای مرد را بر زن اعلام می کند. «مهندس جلال الدین آشتیانی» در کتاب «تحقیقی در دین یهود» می نویسد:

«در کتاب مقدس [تورات] همیشه مخاطب مردانند و اصولاً فقط بنی اسرائیل یا پسران اسرائیل مطرح می شوند و از دختران اسرائیل هرگز سخن نیست.» وی می افزاید: «**اصولاً سراسر کتاب مقدس [تورات] مردانه است ونقش زنان جز موارد معدودی دارای اهمیت نیست.** در تورات فقط مردان دارای اهمیت بوده ونام آنان ذکر می شود. اثر پدرشاهی در سراسر کتاب مقدس مشهود است.[1]»

یکی از حواریون بسیار تند روی مسیح به نام «پال قدیس» [2] دربارهٔ برتری کامل و بی چون و چرای مرد برزن می گوید: «سرِ هر مردی مسیح است، سر زن مرد است، سر مسیح خداست.» این «قدیس» مشهور که از بزرگترین خشکه مقدسان مسیحیت است در مورد دلیل برتری کامل مرد بر زن چنین استدلال می کند که زن از مرد به وجود آمد نه مرد از زن؛ زن برای آسایش و به خاطر مرد آفریده شد نه مرد برای آسایش و به خاطر زن.

پدیدهٔ «زن بیزاری» در مسیحیت

آموزش نفرت شدید از جنس زن و خودداری کامل از آمیزش با او پدیده ای است ویژهٔ دین مسیح که می توان آنرا «زن بیزاری» یا زن گریزی نامید. این پدیدهٔ زن ستیزانه از همان آغازمسیحیت آغاز شد؛ با اوج گسترش و قدرت این دین به اوج شدت رسید و حالتی «بیمارگونه» به خود گرفت. آثار زشت و ناخوشایند آن هنوز هم در دنیای مسیحیّت و به ویژه در کشورهای کاتولیک مذهب در آستانهٔ قرن بیست و یکم وجود دارد.

برخی از نویسندگان کتابهای مسیحیت یا «انجیل های چهارگانه» به تولد

---

۱. تحقیقی در دین یهود، مهندس جلال الدین آشتیانی، نشر نگارش، چاپ دوّم، تهران، ۱۳۶۸.

۲. همدوران با مسیح: Saint Paul.

مسیح حالتی غیرانسانی و آن جهانی دادند؛ مادر مسیح یا «مریم» را دختری باکره نامیدند و برخی از «پدران کلیسا» در مسیحیّت تا آنجا پیش رفتند که گفتند مریم حتا پس از زاییدن مسیح هم چنان باکره باقی ماند. **گرچه در ظاهر مریم را «مقدس» نامیدند اما در عمل اورا حتا از مقام مادری خلع کردند.** پسرش را «فرزند خدا» نامیدند؛ از پسران و دختران دیگر و یا از برادران و خواهران مسیح هرگز نامی به میان نیاوردند؛ او را به وسیله یا ابزاری که مسیح در تن او از سوی خدا پدیده آمده تبدیل کردند. زایمان طبیعی ـ انسانی سایر زنان را کثیف، آلوده به چرک و خون و حیوانی به شمار آوردند و فقط مریم را از این «کثافتکاری ها» دور دانستند. در کتاب «سیمای زن» چنین نوشته شده است: «... گرچه پرستش مریم دراصل، انقلابی در محیط پدرسالارانه و نیز کوششی بوده است برای اعادهٔ نقش حقیقی مادر به وی، اما کلیسای رسمی، زود دست به کار شد تا این امتیاز را از مریم پرستی سلب کند و عملاً به مرور کیش پرستش مریم را پوک و توخالی کرد، یعنی با مسخ و استحالهٔ مریم، از وی زنی ساخت که تنهاخصلت زنانگیش این است که مادری پردرد و کنش پذیر و قربانی یا در اسارت پسر خویش است.[1]»

برخی از رهبران و بزرگان مسیحیت در خوارشمردن و زبونی جنس زن تا آنجا پیش رفتند که در انسان بودن جنس زن شک کردند و از این که خدا موجودی به نام زن را آفریده دچار شگفتی شدند. خانم «کرن آرمسترانگ[2]» می نویسد «آگوستین قدیس» (Saint Augustine) که در قرنهای چهارم و پنجم مسیحیت می زیست زن را یکی ازعجایب طبیعت می دانست و «قدیس» دیگری به نام «توماس آکیناس» (Thomas Aquianas) که فیلسوف و دانشمند مذهب کاتولیک در قرن سیزدهم میلادی بود از دلیل آفرینش زن ازسوی خدا دچار بهت و سرگردانی شده بود. **بسیاری از بزرگان مسیحیت و بنیادگذاران کلیسای این دین زن را معیوب، ناقص، دارای کمبود، زیردست مرد و ناتوان می دانستند.** از دیدگاه آنان زن موجودی بود غیرطبیعی، سرچشمهٔ فریب، اغواگری و بیداری شهوت های بدنی و گرایش های زشت لذت جویی. خانم «کرن آرمسترانگ» در همان کتاب می افزاید که برخی از بزرگان مسیحیت حالتی «بیمارگونه» در مورد جنس زن داشتند؛ سبب گسترش زن بیزاری، زن گریزی و زن ستیزی در سرزمینهای مسیحی شدند؛ نابرابری های بزرگی در زمینهٔ مسایل اجتماعی ـ

اقتصادی برای زنان پدید آوردند؛ سبب شدند تا **زنان مذهبی از زن بودن خود احساس گناه و شرمساری کنند؛ زبونی و خفت جنس زن را «فرمان الاهی» دانستند و آنرا پذیرفتند؛** فرمانبردار و بندهٔ شوهران خود شدند. «آرمسترانگ» براین باور است که شیوهٔ برخورد مسیحیت با زن و جنسیت او بیمارگونه، غیرمنطقی، غیرانسانی و سرشار ازناهماهنگی و ضد و نقیض گویی است. وی می گوید فقط در قرن بیستم است که برخی ازکشورهای اروپا و امریکا به دوران «جامعهٔ پس از مسیحیت» گام نهاده اند؛ جامعهٔ مدنی جامعهٔ دینی راکنار زده و زنان در سایهٔ مبارزات طولانی خود به برخی از حقوق انسانی دست یافته اند.

پدیدهٔ «بی زنی» و خودداری از آمیزش جنسی

یکی دیگر از پدیده های ویژهٔ مسیحیت نخستین که قرنها ادامه داشت تبلیغ خودداری از زناشویی یا «بی زنی» تاحد امکان است. در مسیحیّت تعصب آلود آمیزش جنسی به ویژه اگر هدف از آن لذت بدنی باشد به شدت محکوم شده و ممنوع شناخته می شود. آمیزش جنسی یا لذت جویی بدنی گناه آلود است. این نخستین گناه سبب آلودگی سراسر طبیعت شده است. پال «قدیس» آموزش می دهد که حتا در زناشویی آمیزش جنسی کنارگذاشته شود مگر برای تولید فرزند. وی آمیزش جنسی را مردود می شمارد و زناشویی را ویژهٔ افراد ناتوان و سست می داند. این همزمان و مرید آتشین مسیح می گوید مسیح هرگز به آمیزش جنسی نیاندیشید و هرگز زناشویی نکرد. خود وی نیز با پیروی از استاد خویش هرگز ازدواج نکرد و از دیگران نیز می خواست که چنان باشند.

رهبران بعدی مسیحیت و عارفان مسیحی برای تشویق بی زنی و خودداری کامل از آمیزش جنسی با زن ـ به ویژه در مورد کارگردانان کلیسا و روحانیان مسیحی ـ شخص مسیح و مشهورترین مرید اوپال «قدیس» را نماد یا مظهر به شمار می آوردند. این رهبران می گفتند بنیادگذار مسیحیت نه تنها زن نگرفت و

---

۱. سیمای زن در فرهنگ ایران، جلال ستاری، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۵، صفحهٔ ۶۱.

۲. The Gospel According to woman, Karen Armstrong, Anchor Books, N.Y., London, 1986.

فرزندانی نداشت بلکه در راه پیدایش «حکومت آسمانی» (Kingdom of Heaven) **حتا به مادر خود «مریم» نیز توجهی نداشت.** این رهبران چون پیدایش «حکومت الاهی» را برروی زمین بسیار نزدیک می دانستند حتا از آنان که زن و فرزند داشتند می خواستند که آنان را ترک کنند و به «خدمت به خدا» بپردازند.

در عرفان مسیحی بی زنی یا خودداری از زناشویی و تشکیل خانواده از جمله شرایط عارف بودن شمرده می شود. در عرفان یهودی اندیشهٔ بی زنی وجود نداشت و فقط یک قرن پیش از پیدایش مسیحیت وارد آن شد. یهودیت برخلاف مسیحیت زناشویی را امرخدایی می دانست زیرا براساس آموزشهای تورات «انسانها باید زیاد شوند و زمین را پرکنند.» بنابراین در دین یهود آمیزش جنسی هدف و ارزش ویژهٔ خود را دارد. خانم «آرمسترانگ» در کتاب خود می نویسد قرآن به مردان مسلمان سفارش می کند پیش از آمیزش جنسی با زن خود از خدا تشکر کنند که چنان هدیه ای را در اختیار آنان گذاشته است.

در چهار قرن نخستین مسیحیت ـ به ویژه در اولین سدهٔ آن ـ مسیحیت از خاستگاه یا سرچشمهٔ خود که یهودیت است فاصله می گیرد و به آیین ویژه ای تبدیل می شود. بنیادگذار مسیحیت خود یک یهودی غیرعادی و عجیب بود. **مسیح واقعی ـ تاریخی پیش از این که دین سازان و بنیادگذاران کلیسا او رابه مسیح افسانه ای ـ آسمانی تبدیل کنند در درجهٔ اول یک جوان یهودی و شورشی بود.** او علیه رهبران یهود که به یهودیت خیانت کرده بودند، از آموزشهای راستین یهودیت منحرف شده بودند و به دست نشاندگان و فرمانبرداران اشغالگران رومی تبدیل شده بودند شورش کرد. رهبران درباری و کاسبکار یهودیت که دین رابه وسیلهٔ آسایش و رفاه خود تبدیل کرده بودند حکم اعدام مسیح راصادر کردند و در اینجا داستان زندگی مسیح واقعی ـ تاریخی به پایان می رسد. مسیحیت در آغاز خدایان رومی را رد می کند؛ ستایش از امپراتوران را نمی پذیرد؛ خواستار آزادی از زورگویی حکومت می شود؛ علیه سنتهای رایج کافران در جامعهٔ رومیان بپا می خیزد؛ شهوترانی و لذت پرستی را محکوم می کند و «انجیل» را پیام آزادی می نامد. **به همین دلیل است که مسیحیت تا سه قرن غیرقانونی اعلام می شود و مسیحیان ناچار از تحمل آزار و شکنجه می شوند.**

مسیحیت از همان آغاز ـ برخلاف آیین و رسم رایج زمان ـ چند زنی و طلاق راکه حتا در یهودیت معمول بود ممنوع اعلام می کند و آمیزش جنسی بیرون از

زناشویی را که بین ملت های کافر هم دوران متداول بود محکوم می کند. مسیحیت در برابر برخی از اندیشه ها و باورداشتهای یهودیت و کافران هم دوران ـ از جمله رومیان ـ اعلام جنگ می کند. در آغاز قرن چهارم میلادی، در سال ۳۱۳، امپراتور «کنستانتین» (Constantine) مسیحی می شود. مسیحیت به بازوی امپراتوری یا دین حاکمان ـ با هدفهای این جهانی و مادّی ـ تبدیل می شود. کلیسای دولتی هدایای بسیار از حاکمان دریافت می کند و از پرداخت مالیات معاف می شود. روحانیان در درون دستگاه دولت نفوذ و اعتبار پیدا می کنند.

از یک جوان یهودی و شورشی که زندگانیش را فدای اصلاح دینی ومبارزه با ظلم و فساد کرده، **از مسیح واقعی ـ تاریخی اسطوره یا داستانی به نام مسیح افسانه ای ـ آسمانی ساخته می شود:** همان مسیح پیام آور، پسر خدا، مسیح انجیل ها، مسیح کلیساها، مسیح ساکن آسمانها.

مسیح واقعی ـ تاریخی چون خود را به طور کامل در خدمت آرمانش گذاشته بود، زن نگرفت و خانواده ای تشکیل نداد. از نظر او زن و مرد برابر بودند به شرط این که هر دو دربست در راه «خدمت به خدا» زندگی کنند. اگر مسیح از پیروانش می خواست زن نگیرند و خانوادهٔ خود را در راه مردم و هدفشان ترک کنند به این دلیل بود که تصور می کرد «حکومت الاهی» بسیار نزدیک است و داشتن زن و فرزند و علاقه های این جهانی برتر از آرمان حکومت الاهی نیست.

اما کارگردانان دین، دین سازان و کلیساییان ازفلسفه و هدف اصلی دور شدند. مسیح افسانه ای ـ آسمانی را پدید آوردند و با تفسیرها، تعبیرها و برداشتهای انحرافی خود «مسیحیت درباری ـ کلیسایی» را بنیادگذاری کردند.

خانم «یوتا رانکه ـ هاینه مان» در کتاب «خوداختگان حکومت آسمانی» [۱] می نویسد اندیشه و نظرهای برخی ازفیلسوفان و اندیشمندان یونان باستان بر باورها و آموزشهای بنیادگذاران مسیحیت اثر گذاشت. فیلسوفان و صاحب نظرانی چون «گزنوفون»، «افلاتون»، «ارستو» و «بقراط حکیم» آمیزش جنسی را برای مرد خطرناک می دانستند و آنرا تحلیل برندهٔ نیروی مردی به شمار می

---

۱. Eunucks for the Kingdom of Heaven, Uta Ranke-Heinemann, Doubleday, N.Y., London, 1990.

آوردند. برخی از بنیادگذاران مسیحیت و هواداران پرشور مسیح بـا پـیروی از روش زندگی آموزگار بزرگ مسیحیت با پیروی از اندیشهٔ بی زنی و خودداری از انجام آمیزش عمل جنسی به «خوداختگان در راه پیدایش حکومت آسمانی» تبدیل شدند.

«مسیحیت تراشان» زن آرمانی را زنی می دانستند که به مانند «مـریم» مـادر افسانه ای مسیح افسانه ای ـ آسمانی در حالی که باکره است باردار شود و پس اززایمان نیز باکره بماند. در مسیحیت کلیسایی ـ کاسبکار زنان «مقدس» و باکره نمونه هایی هستند از زنان مسیحی و آرمانی. خانم «آرمسترانگ» در کتاب خود «انجیل از دید زن» ویژگیهای زن آرمانی در مسیحیت را از قول رهبران کـلیسا چنین خلاصه می کند: **زن واقعی مسیحی دور از مرد، باکره و تنهاست؛ آسوده از رنج بارداری و زایمان یا آسوده از نفرین خدا به نخستین زن یا حواست.** وی این ویژگی ها را ساختهٔ مردان و بیمارگونه به شمار می آورد. مسیح و مرید همزمانش «پال» به شرط این که زن به هواداران «حکومت الاهی» بپیوندد و ترک خانواده و زندگی کند او را با مرد برابر می دانستند. آنان چون پیدایش حکومت الاهی را بسیار نزدیک می دیدند مرد و زن را از نظر تلاش برای پیدایش چنین حکومتی برابر می دانستند. اما رهبران مسیحی و بزرگان کلیسا در دوران های بـعدی نـیز چنین انتظاری را از زنان داشتند تا بتوانند به برابری با مردان دست یابند.

برخی از رهبران خشک اندیش مسیحیت زن آرمانی را زنی می دانستند که در راه کلیسا تارک دنیا شود، از مردان جدا زندگی کند، تا پایان عمر باکره بماند و جنسیت یا زنانگی خود را به فراموشی بسپارد. گروهی دیگر از رهبران کلیسا از آنجا که تنها هدف خدا را از آفرینش زن توانایی او در فرزندزایی می دانستند **زن آرمانی را زنی به شمار می آوردند که تنها نقش و وظیفهٔ او فرزندزایی باشد.** این رهبران آمیزش جنسی را در محدودهٔ زناشویی و با هدف تشکیل خـانواده محترم و حتا مقدس می شمردند و ازدواج و تولید فرزند را بخشی از برنامهٔ خدا برای نوع انسان می دانستند. آمیزش جنسی خارج از پیمان زناشویی گناهی بزرگ شمرده می شد. در مجموع، مسیحیت در بسیاری از دورانها با تنفر به آمـیزش جنسی و لذت بدنی می نگریست و حتا آنرا فقط برای هدف پیدایش نطفه لازم می دانست. آمیزش جنسی و لذت از آن به شدت با تحریم، آلودگی و ناپاکی آمیخته بود.

در قرون وسطا ـ در اوج قدرت رهبران کلیسای مسیحیّت ـ نفرت از آمیزش جنسی، به ویژه اگر هدف آن لذت جویی وپاسخ به میل جنسی بود ـ به اوج شدت خود می رسد. در انگلستان در قرن نوزدهم ـ در دوران سلطنت ملکه ویکتوریا ـ میل جنسی و آمیزش مرد و زن، نامطلوب و پلید در نظر گرفته می شد. برخی از پزشکان در انگلستان برای جلوگیری از تحریک شدن میل جنسی در دختران و بیدارشدن این غریزه در آنان به عمل جراحی در عضو تناسلی دختران دست می زدند. **در ضمن این عمل «چوچوله»، یا عضو تحریک شونده را، از اندام تناسلی قطع می کردند.** این عمل جراحی «چوچوله برداری» (Clitoridectomy) نامیده می شود و هنوز هم در برخی از کشورهای عقب ماندهٔ اسلامی درافریقا وجود دارد.

وفاداری زن نسبت به همسر در هر سه دین سامی یا خاورمیانه ای یکی از ویژگیهای زن آرمانی است. در مسیحیت آغازین، طلاق ممنوع اعلام شده است، اما در قوانین موسی در صورت نازایی زن، مرد می تواند او را طلاق بدهد.

یکی از بزرگان یهودیت به نام «شامایی» (Shammai) می گوید در صورت اثبات خیانت زن در زناشویی مرد می تواند اورا طلاق بدهد. از دید یکی دیگر از الاهیان یهودی به نام «هیلل» (Hillel) **مرد می تواند به هر دلیلی ـ حتا سوزانیدن غذا ـ همسرش را رها کند.** یکی دیگر از یهودیان به نام «آکیبا» (Akiba) در آسان سازی طلاق برای مردان تا آنجا پیش می رود که می گوید **اگر مردی به زنی زیباتر از همسرش علاقه مند شود می تواند او را طلاق بدهد.** در سنت ها و آموزش های یهودیان و آسوریان اگر مرد متوجه می شد همسرش زناکاری کرده می توانست او و معشوقش را بکشد. **برخی از یهودیان دختری راکه پیش از زناشویی بکارتش را از دست داده بود می کشتند.**

از دیدگاه پال «قدیس» زن دلخواه باید خود را بپوشاند؛ زیبایی هایش را پوشانیده نگاه دارد؛ از جواهرات و زینت های گوناگون دوری کند؛ خود را غیرجذاب بنمایاند؛ در زمان دعا خواندن سرش را بپوشاند، **در غیر این صورت سرش را بتراشد؛** در مجلس های مذهبی خاموش باشد و اگر پرسشی دارد از شوهرش بپرسد؛ پرهیزکاری زن کافی نیست بلکه بهتر است از نظر کشش جنسی ناخوشاینده جلوه کند.

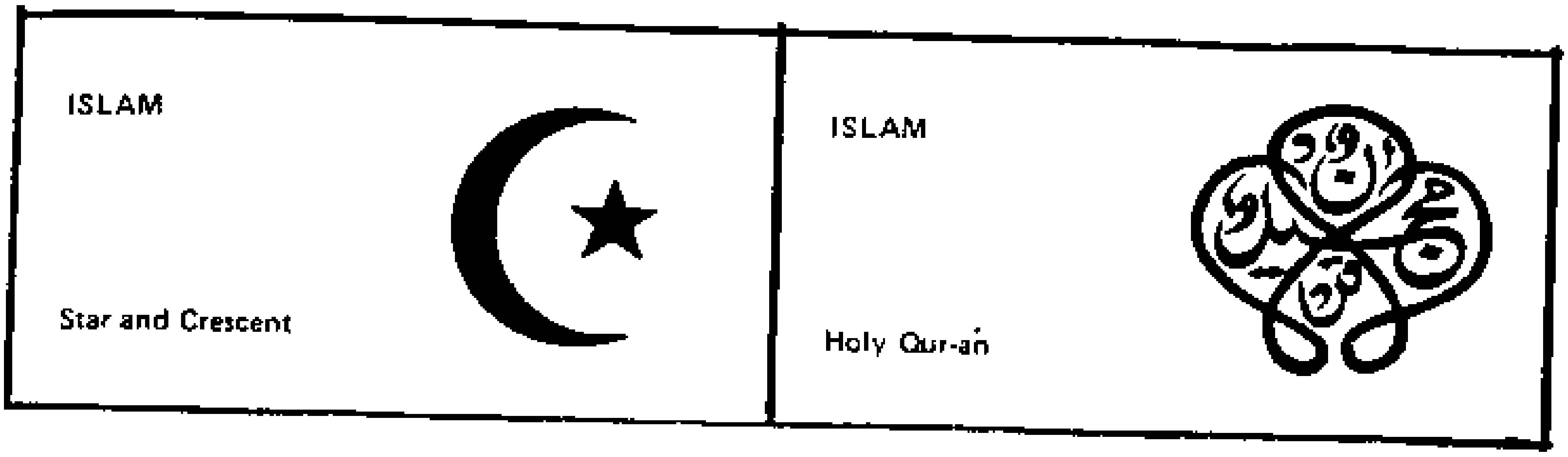
آگوستین «قدیس» می گوید هدف از آمیزش جنسی فقط باید تولید فرزند

باشد. پیام آورانی چون ابراهیم واسحاق فقط به خاطر فرمان خدا زناشویی کردند و فرزند به دنیا آوردند. اسحاق فقط یک بار به آمیزش جنسی با زنش می پردازد و از او فرزندانی دوقلو به دنیا می آیند که یکی از آن دو فرزند یعقوب بوده است. اسحاق از این که فرزندانی ازاو پدید آمده اند به خاطر انجام وظیفه احساس آرامش می کند. اما از یعقوب دوازده فرزند پدید می آیند. **برخی از نویسندگان دینی گناه این انجام وظیفهٔ «اضافی» را به دو تن از همسران یعقوب نسبت می دهند که زنانی شهوانی بوده اند و از یعقوب بیش از اندازه انتظار داشته اند.**

«مارتین لوتر» (Martin Luther) بنیادگذار مذهب پروتستان که در قرن های پانزدهم و شانزدهم میلادی می زیست براین باور بود که «جای زن در خانه است.» «جان کالون» (John Calvin) یکی دیگر از رهبران پروتستان ها که در قرن های شانزدهم و هفدهم زندگی می کرد نیز **وظیفهٔ زن را خانه داری و یاری با مرد می دانست.**

مذهب «پروتستان» که اصلاحاتی در مسیحیت متعصب و در اندیشه های خشکه مقدسان مسیحی پدید آورد در زمینهٔ زن بیزاری یا زن گریزی آموزش های «پدران کلیسا» را دنبال کرد. وظیفهٔ زن مسیحی بچه زایی و خانه داری در نظر گرفته شد. از دیدگاه بسیاری از بنیادگذاران مذهب پروتستان، زن هر اندازه بیشتر بچه بزاید بهتر به وظیفهٔ خود عمل کرده است. **اگر در دوران بارداری و در زایمان با دردهای شدید روبرو شود حتا جانش را از دست بدهد اهمیتی نخواهد داشت** زیرا وظیفهٔ او از آغاز آفرینش فرزند زایی درنظر گرفته و زایمانش نیز به امر خدا باید با درد و رنج همراه باشد.





بخش سوّم

به تحقیق می توان گفت که هیچ آیین مذهبی و مسلک فکری تاکنون مقام زن را در خانواده و اجتماع به اندازهٔ اسلام پایین نیاورده است.

محمد... آن قدر در احکام و متون قرآن به زن به نظر خفت نگریست که حتی در اجتماعات ماقبل از تمدن نیز نظیر آنرا کمتر می توان یافت.

بازشناسی قرآن، دکتر روشنگر

* * *

موقعی که پیغمبر خدا اطلاع حاصل کرد که ایرانیان سلطنت را به دختر کسریٰ واگذار کرده اند فریاد برآورد: «ملتی که امور خود را به زنی واگذار کند هیچگاه توفیقی حاصل نخواهد کرد.»

صحیح البخاری، البخاری، صفحهٔ ۲۸۳

* * *

زنان عرب قبل از ظهور اسلام به مراتب از شأن انسانی بیشتری برخوردار بودند و قوانین و مقرراتی که محمد برای زنان نازل کرد، در واقع آنها را در زندگی خانوادگی تابع و بردهٔ مردها کرد.

رابرتسن اسمیت، بازشناسی قرآن

زن در اسلام: کالایی متعلق به مرد

در اسلام نیز مانند یهودیت و مسیحیّت برتری مرد بر زن بی چون و چراست. پروردگار جهان هستی از آغاز آفرینش نوع انسان، مرد را بر زن برتری داده و زن را فرمان داده است تا از مرد فرمانبرداری و پیروی کند. از آنجاکه دین اسلام از این دو دین دیگر سامی یا خاورمیانه ای سرچشمه گرفته و از آنجاکه در حقیقت بسیاری از افسانه ها، داستانها، آموزشها و فرمانهای آنها را تکرار کرده است شباهت های بسیار با آن دو دین ـ و به ویژه با یهودیت ـ دارد.

در اسلام نیز نخستین مرد یا «آدم» هدف آفرینش بوده و نخستین زن یا «حوّا» برای آسایش، همدمی و جفت مرد بودن آفریده شده و به این ترتیب در نقشهٔ آفرینش، زن وسیله یا ابزار است. بنیادگذار اسلام و پیرامونیان او نیز به مانند بنیادگذاران یهودیت و مسیحیت همگی مرد بوده اند. **خدای اسلام نیز به مانند خدای سایر دینهای سامی در خاورمیانه از جنس مرد و مذکر است.**

بزرگترین ویژگی اسلام ـ برخلاف مسیحیّت که در نخستین قرنهای آن «زن بیزاری» و نفرت از آمیزش جنسی با زن را تبلیغ می کند ـ **به آمیزش جنسی مرد با زن به مانند هدیهٔ خدا به مرد می نگرد و آنرا ترغیب می کند.** در اسلام نشانی از پدیده های زن بیزاری، زن گریزی و زن ستیزی ـ به مفهوم خودداری از آمیزش جنسی با زن ـ نیست. اسلام به مرد اجازه داده است چهار زن عقدی، تعدادی صیغه و در صورت توانایی مالی، موقعیت و مقام، تعداد نامحدودی کنیز و بردهٔ زن داشته باشد.

یکی دیگر از بزرگترین ویژگی های اسلام این است که **به جنس زن به عنوان کالا، وسیله یا متاعی می نگرد که متعلق به مرد است. در اسلام مرد مالک زن است.** دختر در درجهٔ اول ـ تا پیش از زناشویی ـ متعلق به پدر است و یکی از اموال او به شمار می رود. زن پس از زناشویی به اموال شوهر اضافه می شود. شوهران مالک زنان خود هستند و به هر ترتیبی که بخواهند می‌توانند در آنان دخل و تصرف کنند. اگر زن در زناشویی خیانت کند شوهر می تواند او را بکشد.

خانم «آرمسترانگ» نویسندهٔ کتاب «انجیل از دیدگاه زن» می نویسد که اسلام جنسیّت زن را به رسمیت می شناسد؛ آمیزش جنسی با زن را محترم می

شمارد؛ **از دیدگاه محمد، بنیادگذار اسلام، زن بهترین هدیهٔ خدا به مرد است؛** پیام آور اسلام از نظر هماغوشی با زنان مردی بسیار نیرومند و به شدت علاقه مند به هم بستری با آنان بوده است؛ در دین اسلام نشانی از «بی زنی»، «تارک دنیایی»، و «راهبگی» رایج در مسیحیّت نیست.

در مورد برتری مرد بر زن و حق آقایی او آیهٔ ۳۴ سورهٔ نساء در قرآن چنین می گوید: «**مردان را بر زنان حق تسلط و نگهبانی است، به علت این که خدا بعضی از شما را برتر از بعض دیگر مقرر داشته و هم چنین به علت این که مردان باید از مال خود به زنان نفقه بدهند...**» در پایان همین آیه، قرآن به مرد اجازه می دهد در صورت نافرمانی زن ـ در آخرین مرحله ـ به تنبیه بدنی زن بپردازد و او را مضروب کند.

یکی دیگر از ویژگی های اسلام پدیدهٔ «چندزنی» یا «تعدد زوجات» است. اسلام با تأیید این پدیدهٔ غیرانسانی بزرگترین و خفت بارترین عمل را دربارهٔ جنس زن روا دانسته است. براساس آیهٔ سوم سورهٔ نساء مرد مسلمان می تواند به طور هم زمان چهار زن عقدی داشته باشد. افزون براین، بنابر متن آیهٔ ۳۰ سورهٔ معارج و آیهٔ ٦ سورهٔ مؤمنون «مرد مسلمان می تواند به طور نامحدود دختران و زنان برده در اختیار داشته باشد **و با آنها عمل زناشویی انجام دهد.**»

خانم «کروتی یر» در کتاب «حرمسرا: در پس دنیای حجاب» [۱] یادآور می شود که دین اسلام اهمیت اندکی برای زن در نظر گرفته؛ او را از نظر عقل و هوش پایین تر از مرد دانسته؛ ارزش او را در یار مرد بودن و رسانیدن لذت جنسی به او دانسته و وظیفه وی را خانه داری و فرزند زایی ـ به ویژه فرزند پسر یا جانشین ـ در نظر گرفته و او را بخشی ازاموال مرد شمرده است. براساس آیهٔ ۱۱ سورهٔ شوریٰ زن باید برای مرد نقش جفت را بازی کند و برایش فرزند به وجود بیاورد. آیهٔ ۲۲۸ سورهٔ بقره نیز با روشنی تمام می گوید «**مردان را بر زنان برتری خواهد بود.**» و به این ترتیب برتری و چیرگی مرد بر زن فرمان خدا یا حکم الاهی شمرده می شود.

در زمینهٔ ارزش انسانی و احترام زن در دین اسلام به چند نکتهٔ دیگر نیز می توان اشاره کرد: بنابر متن آیهٔ ۱۱ سورهٔ نساء سهم ارث دختر از اموال خانواده

---

۱. Harem: The World Behind the Veil, alev Lytle Croutier, Abbeville Press, N.Y., 1989.

فقط نصف پسر خانواده درنظر گرفته شده است. سورهٔ مزبور می گوید: «حکم خدا در حق فرزندان شما آن است که پسران دوبرابر دختران ارث ببرند.» نمونهٔ دیگر از نابرابری زن و مرد در اسلام در موضوع شهادت یا گواهی دادن است. بنابر آیهٔ ۲۸۲ سورهٔ بقره شهادت دو زن برابر با شهادت یک مرد درنظر گرفته خواهد شد.

در اسلام نیز مانند دین یهود مرد می تواند همسرش را طلاق بدهد. اما در بسیاری از موارد مرد با راحتی و آسانی بیشتری می تواند زن را با طلاق دادن از خود براند. حکم طلاق حتا می تواند بدون حضور زن و در غیبت او صادر واجرا شود. زن حق طلاق ندارد و چنین «امتیازی» فقط برای مرد در نظر گرفته شده است.

در هر سه دین سامی یاخاورمیانه ای ـ یهودیت، مسیحیّت و اسلام ـ زن هرگز شایستگی برگزیدگی از سوی خدا را به عنوان پیام آور ندارد و اصولاً چنین تصوری هرگز نباید از خاطر مؤمنان بگذرد. در هر سه دین زنان از دخالت در امور روحانیت و داشتن مقام به عنوان فردی روحانی کاملاً کنار گذاشته شده اند (پذیرش برخی از زنان برای انجام دادن مراسم دعا و نیایش در مسیحیت یکی از پدیده های تازه در پایان قرن بیستم است).

در اسلام هرگز زن نمی تواند جانشین پیام آور یا خلیفهٔ مسلمانان باشد؛ در مذهب شیعه تصور این که یک زن «امام» شیعیان باشداز مغز مسلمان نباید بگذرد. هیچ زنی شایستگی رسیدن به مقامات روحانی را ندارد و اصولاً جنس زن نمی تواند مقام یا مأموریت «روحانی» داشته باشد. روحانیت به طور کامل ویژهٔ مردان است و ورود به چنین قلمرویی برای زنان هرگز اجازه داده نمی شود. در اسلام جنس زن شایستگی قضاوت یا داوری را ندارد، زیرا بسیاری از بزرگان اسلام ـ از جمله بنیادگذار آن و امام اولین شیعیان ـ زن را از نظر عقل ناقص و از نظر منطق ضعیف اعلام کرده اند. اعلام جهاد یا شرکت در جنگ دینی فقط برای شرکت مردان است و زنان در مورد شرکت در جهاد هیچ گونه تعهدی ندارند.

سخنانی دربارهٔ زن در اسلام

دکتر روشنگر در کتاب «بازشناسی قرآن» می نویسد که محمد در خطبهٔ

حجةالوداع چنین گفته است: «درباره زنان نیکی کنید، **چه آنها اسیر مردانند و اختیاری از خود ندارند.**»

در جنگ های دوران بنیادگذار اسلام و نیز در دوران جانشینان او، زنانی که اسیر می شدند بین مردان جنگجو و پیروز تقسیم می شدند و اسیر آنان به شمار می رفتند. مالکان این اسیران، که با آنان به مانند برده یاکنیز رفتار می شد از نظر دینی و شرعی می توانستند با این اسیران زن عمل آمیزش جنسی را انجام بدهند و صاحب اختیار آنان شمرده می شدند.

خانم هما احسان در کتاب خود به نام «زن از نگاه آخوند» از قول محمد باقر مجلسی نویسندهٔ کتاب «حلیته المتقین» چنین نوشته است:

«**حضرت رسول (ص) فرمود که اگر امر می کردم که کسی برای غیر ازخدا سجده کند، هر آینه می‌گفتم که زنان برای شوهران خود سجده کنند** [1].»

در کتاب «سیمای زن در فرهنگ ایران» نوشتهٔ جلال ستاری از قول «شیخ محمد لاهیتی» که در قرن دهم هجری زندگی می کرده حدیثی از محمد، پیام آور اسلام، بیان شده که براساس آن محمد براین باور بوده است که «**زنان در عقل و دین نقصان دارند.**»

در کتاب «بازشناسی قرآن» نظرهای حضرت علی دربارهٔ زنان چنین بیان شده است: «علی بن ابیطالب امام شیعیان و خلیفهٔ چهارم در دو مورد در نهج البلاغه دربارهٔ زنان اظهار عقیده کرده است. در مورد اول و در ضمن وصیت به فرزند ارشدش حسن می گوید «**زنهار در هیچ‌کاری با زنان مشورت مکن، چه رأی آنان نادرست و عزم وارادهٔ آنها ضعیف و سست است...**»

در مورد دوّم کتاب بازشناسی قرآن از قول حضرت علی چنین می گوید: «**ای مردم بدانید زنان ناقص ایمان، ناقص بخت و ناقص خرد هستند.**»

نظرهای بسیاری از رهبران و بزرگان دین اسلام و مذهب شیعه دربارهٔ زن با تحقیر، خواری و زبونی جنس زن همراه است. در اینجا برای نمونه و بیان «مشتی از خروار» به نظرهای سه تن از دانشمندان اسلامی اشاره می شود.

در کتاب «سیمای زن در فرهنگ ایران» نظر «امام محمد غزالی» در کتاب او به نام «کیمیای سعادت» دربارهٔ زن چنین بیان شده است: «**زن باید که بندهٔ مرد**

---

۱. زن از نگاه آخوند، هما احسان، ناشر: نویسنده، چاپ امریکا، ۱۹۸۴.

باشد. زن به حقیقت بندهٔ مرد است.»

غزالی در کتاب «نصیحت الملوک» چنین نوشته است: «... هر چه به مردان رسد از محنت و بلا و هلاک، همه از زنان رسد... واجب است بر مردان که بر زنان رحیم باشند و برایشان ستم نکنند که زن در دست مرد اسیر و بیچاره است... و نیز واجب آید مردان را که با زنان مدارا کنند که به خرد ناقصند.» در همان کتاب «غزالی» می افزاید: «بدان که جملگی خوی زنان برده گونه است، و خوی هر یک به صفت چیزی از حیوانات ماننده است: یکی خوک، دوم چون کپّی (بوزینه)، سه دیگر چون سگ، چهارم چون مار، پنجم چون استر، ششم چون کژدم، هفتم چون موش، هشتم چون کبوتر، نهم چون روباه، دهم چون گوسفند.»

خواجه نظام الملک در کتاب خود به نام «سیاست نامه» از قول پیام آور اسلام نوشته است: **«با زنان در کارها تدبیر کنید، اما هرچه ایشان گویند چنین باید کرد، به خلاف آن کنید، تا صواب آید.»**

نظام الملک در همان کتاب می نویسد: **«زنان اهل سترند و کامل عقل نباشند و غرض از ایشان گوهر نسل است که برجای ماند.»**

خانم هما احسان در کتاب خود از کتاب «حلیته المتقین» نوشتهٔ ملا محمد باقر مجلسی چنین آورده است: «در بیان حق زن و شوهر بر یکدیگر و احکام ایشان از حضرت محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که **حق تعالیٰ برای زنان غیرت جایز نداشته است و از برای مردان غیرت قرار داده است.»**

اشاره ای به دخترکشی در دوران جاهلیت و حجاب در اسلام

خانم «یوتارنکه ـ هاینه مان» در کتاب خود «خوداختگان حکومت آسمانی» می نویسد پدیدهٔ کشتن نوزاد ـ دختر یا پسر ـ در تمدن های باستانی، به ویژه در صورت ناقص بودن آنها، تاحدودی رایج بوده است. رومیان نیز از این سنت پیروی می کرده اند و در چهار قرن اول پیدایش و گسترش مسیحیت کشتن

نوزادان ناخواسته و معیوب جریان داشته است. مسیحیت کشتن نوزادان را آدم کشی یا قتل به شمار آورد و این سنت را محکوم کرد، زیرا جنبش مسیحیت در آغاز، شورشی بود علیه سنت های کافران و یهودیت درباری و گمراه.

کتاب «سیمای زن در فرهنگ ایران» در این زمینه می افزاید: «به اعتقاد بعضی محققان، کشتن نوزاد دختر در جاهلیت [اعراب] که امری نادر بوده است، بازماندهٔ رسم قربان کردن انسان در مذهب شرک است و نشانهٔ تحقیر و تخفیف زن نیست، زیرا اعراب جاهلی، الهگان را نیز می پرستیدند.»

برخلاف آنچه که نویسندگان اسلامی تبلیغ کرده اند **کشتن نوزادان دختر بین تمامی قوم های عرب رایج نبوده است.** دلیل نابود کردن نوزادان دختر بیزاری یا بی میلی از داشتن فرزند دختر نبوده بلکه دلیل واقعی آن فقر و تهیدستی قوم یا گروهی بوده که به این عمل دست می زده است.

افزون بر این، بسیاری از **اعراب پیش از دوران پیام آور اسلام به جنس زن با نظر ستایش می نگریستند و چندین الاهه یا ایزد بانو داشته اند.**

این اعراب ایزد زنانی به نام های قریش، لات، و منات داشته و آنان را «غرانیق عالم علیا» می نامیدند. این دختران اسطوره ای «دختران خدا» به شمار می رفتند و اعراب به یاری و بخشندگی آنان امیدبسته بودند. قبیلهٔ قریش و برخی از طایفه های دیگر «منات» را بزرگ می دانستند، از او بت ساخته بودند و برایش قربانی می کردند.

از نظر پوشش زنان یا «حجاب اسلامی»، زنان در دوران زندگانی پیام آور اسلام دارای آزادی های بیشتری بودند. خانم «آرمسترانگ» در کتاب پژوهشی خود می نویسد که فقط از نسل های سوم و چهارم پس از بنیادگذار اسلام، پوشش زنان یا حجاب رواج پیدا کرد و دربارهٔ لزوم آن سخت گیری شد. همین پژوهشگر زن می افزاید «مسیحیان بیزانتین» که رایج شدن حجاب را سبب شدند برروی مسلمانانی که با آنان رفت و آمد داشتند اثر گذاشتند و مسلمانان به تقلید از آنان پوشش یا حجاب زنان را لازم دانستند. **ریشهٔ پیدایش حجاب اسلامی را باید در سنت ها و آداب مسیحیان سخت گیر و خشکه مقدس جستجو کرد.**

بخش چهارم

نمونه ای از سخنان زهرآلود دربارهٔ زن

همهٔ مقاصد مردان، مقاصد زنان نیز هستند. اما در همهٔ آنها زن حقیرتر از مرد است. **سپاس آفریدگار راکه مرا زن نیافرید...** افلاتون

از کتاب «کلیسا و جنس دوّم»، نوشتهٔ ماری دالی

* * *

معیار یا «نورم» مرد است، هر زنی مردی است معیوب. مرد در فضیلت برتر از زن است. زن باید از مرد اطاعت کند... ارستو

از کتاب «خوداختگان حکومت آسمانی»

* * *

نسبت زن به مرد مثل نسبت غلام به مولیٰ و بدن به روح است. زن مرد ناقصی است که در مرحلهٔ پایین تری قرار دارد. جنس نر، حاکم و ماده، محکوم است. صلاح زن در این است که امور خانه داری را برعهده بگیرد. زنان نباید مانند مردان تربیت شوند. ارستو

از کتاب تاریخ اجتماعی ایران، راوندی

* * *

ای زنان! خود را در اختیار شوهراتان بگذارید، همان طور که در اختیار خدا می گذارید... پال «قدیس»

از کتاب «نامه های بهشت»

* * *

باکرگی چیزی است که ما را از وحشیان دور می کند...

آمبروز «قدیس»، استاد پال

از کتاب «انجیل از دید زن»

* * *

زن حقیرتر از مرد است زیرا فقط از بخشی از بدن مرد آفریده شده است...

آمبروز

از کتاب «کلیسا و جنس دوم»

* * *

براساس آموزشهای انجیل، زنان باید آشپزی، دوزندگی و بافندگی کنند. لازم نیست زنان به ورزش بپردازند...

کلمنت «قدیس»، قرن اول میلادی

از کتاب «نامه های بهشت»

* * *

آیا نمی دانید که شما حوّا هستید؟... شما دروازهٔ شیطان هستید... چه آسان مرد را نابودکردید، تصویر خدا را. به دلیل مرگی که برای ما به وجود آوردید، حتا پسر خدا نیز ناچار از پذیرش مرگ شد.

ترتولیان، قرنهای دوم و سوم میلادی

ازکتاب «کلیسا و جنس دوّم»

* * *

زن باید از شوهرش بترسد وبرده باید در برابر آقایش ازترس بلرزد.

جروم «قدیس»، قرنهای چهارم و پنجم میلادی

* * *

تا زمانی که زن برای زایدن و بچه داری است با مرد تفاوت خواهد داشت، مانند تفاوت جسم و روح. اما از زمانی که می خواهد بیشتر درخدمت مسیح باشد تا در خدمت دنیا دیگر زن نخواهد بود ومرد نامیده خواهد شد.

جروم «قدیس»

از کتاب «کلیسا و جنس دوّم»

* * *

مرد به شکل خدا آفریده شده نه زن. زن بدون مرد کامل نیست، مرد بدون زن کامل است.

آگوستین «قدیس»، قرن پنجم میلادی

از کتاب «نامه های بهشت»

* * *

زن حیوانی است که نه استوار است و نه ثابت قدم، بلکه کینه توز است و زیانکار... و منبع همهٔ مجادلات و نزاعها و بی عدالتیها و حق کشیها.

آگوستین «قدیس»

از کتاب «سیمای زن در فرهنگ ایران»

* * *

زن توانایی آمیزش با شیطان را دارد... توماس آکیناس «قدیس»

از کتاب «حرمسرا: در پس دنیای حجاب»

* * *

زنان باید در خانه بمانند، ساکت بنشینند، خانه داری کنند، بچه بزایند و او را بزرگ کنند. مارتین لوتر، قرنهای ۱۶، ۱۷ میلادی

از کتاب «نامه های بهشت»

* * *

پایین تر بودن مقام زن نسبت به مرد امری طبیعی است. مردان باید بر زنان چیره باشند. مرد آقا و فرمانروای خانه است... مارتین لوتر

* * *

برابری زن با مرد مغایر با نظام طبیعت است. مردان می توانند چندین زن داشته باشند. شوهر وبچه داشتن بهتر از نداشتن آنهاست...جان کالون، قرن ۱۶ میلادی

از کتاب «نامه های بهشت»



بخش پنجم

سخنانی در سرزنش دینها و دفاع از زن

انجیل وکلیسا بزرگترین سدّ راه رهایی زن بوده اند...

الیزابت استانتون

* * *

سهم ایدئولوژی مسیحی در سرکوب زن کم نبوده است... سیمون دوبووار

ازکتاب «جنس دوم»

* * *

تصویر حوّا، تصویر ما از زن نیست... مرلین استون

ازکتاب «انجیل از دید زن»

* * *

مسأله و نگون بختی زن اصولاً از آنجا آغاز می شود که مذهب آغاز گشته است... خانم هما احسان

ازکتاب «زن از نگاه آخوند»

* * *

آن مرد می گوید که زنان نمی توانند حقوقی برابر مردان داشته باشند، زیرا مسیح زن نبود. مسیح شما چگونه تولد یافت؟ از خدا و یک زن. **در پیدایش مسیح، مرد نقشی نداشت.**

ایزابلا واگنر

* * *

زمانی که فرد در وضعیت حقارت آمیزی گذاشته شود واقعیت این است که به فردی حقیر تبدیل می شود. سیمون دوبووار

* * *

الاهیات اخلاقی مذهب کاتولیک حماقتی است که خود را به خدا نسبت می دهد و به مذهبی بودن تظاهر می کند.

خانم یوتارانکه ـ هاینمان
نویسندهٔ کتاب «خوداختگان حکومت آسمانی»

* * *

مسئله تعدد زوجات علت دیگر ویرانی ایران است که آنهم «از برکات تشیع شایع است.»
میرزا آقاخان کرمانی
از کتاب «اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی»

* * *

حال هزار سال است زنان ایران مانند زنده بگوران تازیان در زیر پردهٔ حجاب و کفن چلباب مستور، و در خانه ها چون کور محجوب و مهجور گشته اند.
میرزا آقاخان کرمانی

* * *

نه در تاریخ یهودیان و نه در اخلاقی که کتابهای پنجگانهٔ آنان آموزش می دهد چیز با عظمتی ندیدم. در هیچ کتاب دیگری نیز ندیدم که به اندازهٔ کتاب آنان مقام زن را پایین آورده باشد و زیردستی آنان را تعلیم داده باشد.
الیزابت استانتون

* * *

علوم اجتماعی این نظر را تأیید می کنند که مقام زن در جامعه نشانه ای است از میزان رشد تمدن در آن جامعه.
سوزان انتونی

* * *

چیرگی مرد آثار ناخوشایندی به بار آورده است. زناشویی، یکی از نزدیکترین رابطه های انسانی، در نتیجهٔ این چیرگی به رابطهٔ آقا و برده دگرگون شده است، در حالی که در این رابطه، هر دو طرف باید برابر باشند.

برتراند راسل
از کتاب «چرا مسیحی نیستم»

* * *

اختگانی هستند که از مادر آن چنان زاییده شده اند. اختگانی هستند که به دست انسان آن چنان شده اند و اختگانی هستند که به خاطر حکومت آسمانی

خود را آن چنان کرده اند [بی زنی در مسیحیت].

ماتیو ۱۹:۱۲

* * *

از «پال»، حواری مسیح، تا جان پال دوّم، کلیسا آمیزش جنسی را خوار شمرده، جایگاه زن را پایین تر آورده و از اندیشهٔ «بی زنی» هواداری کرده است. باکرگی مریم را باشکوه دانسته و به شیوه ای ضمنی چنین وانمود کرده است که جریان پیدایش نطفه و فرزند زایی با آلودگی همراهند. این واقعیت انکار ناپذیر را که مسیح برادران و خواهرانی داشته انکار کرده است.

یو تارانکه ـ هاینمان

از کتاب «خوداختگان حکومت آسمانی»

* * *

پدر سالاری دین رایج و غالب سراسر سیاره است و پیام اساسی آن چیزی جز مرده پرستی نیست. تمامی آنچه که به نام دین نامیده می شود و پدر سالاری را مشروع جلوه می دهد فقط فرقه های گوناگون پدرسالاری است...

ماری دالی

از کتاب «کلیسا و جنس دوّم»

* * *

اگر زنان دنیا می خواهند انقلابی در روشهای زندگی روابط خود با مرد به وجود بیاورند، باید این کار را از ریشه یعنی از ایجاد انقلاب در باورهای مذهبی آغاز کنند.

هما احسان

از کتاب «زن از نگاه آخوند»

* * *

متأسفانه باید این واقعیت تلخ را پذیرفت که جز در دیانت زردشت و بهایی که پیامبران هر دو ایرانی هستند و نسبت به زن با احترام نگریسته اند در بقیهٔ ادیان زن موجودی بی حرمت و حقیر و دست دوم شناخته شده، لیکن نگرش آخوند شیعه به زن نگرشی است به نهایت درجهٔ اهانت آمیز و چندش آور.

هما احسان، همان کتاب

* * *

قانون کثرت زوجات نیز از دیگر رسوم زشتی است که رابطهٔ زن و شوهر را میان

اهل اسلام به صورت مالک و مملوکه درآورده است.

میرزا فتح علی آخوندزاده
از کتاب «اندیشه های میرزا فتح علی آخوندزاده»

* * *

همان قانون حجاب سرچشمهٔ مفاسد مدنی گوناگونی شده است. خشونت رفتار مردان نسبت به زنان... و سلب حقوق انسانیت و آزادی از ایشان در جمیع موارد.
آخوندزاده

* * *

اکثر زنان او [پیام آور اسلام] به اختیار خود زن پیغمبر نشده بودند.
آخوندزاده

* * *

گرایش پیوستهٔ دین به سوی تک خدایی و کنارگذاشتن مفهوم الاهه سبب پیدایش این واقعیت شده است که در زمان حاضر بخش بزرگی از جهان آن چنان به عقیدهٔ خدای مردانه عادت کرده است که **نام بردن از خدا با عنوان زنانه به عنوان کفری هراس انگیز در نظرگرفته خواهد شد.**

مارگارت موری
از کتاب «نامه های بهشت»

* * *

مرد از این امتیاز بزرگ بهره مند می شود که خدایی دارد که قوانینی را که می نویسد تأیید می کند. و از آنجاکه مرد بر زن حاکمیت دارد این نکته نیز به ویژه از خوش اقبالی است که این حاکمیت از سوی فرمانروای عالم به او تفویض شده است. از دید یهودیان، محمدیان، مسیحیان و سایرین آقایی مرد حقی الاهی است. به این ترتیب ترس از خدا مانع هرگونه شورشی به نفع زنان سرکوب شده خواهد شد.
سیمون دوبووار
از کتاب «جنس دوم»

* * *

بدترین جلوهٔ دین مسیحیت شیوهٔ برخورد آن با جنسیت است. شیوهٔ برخوردی آن چنان بیمارگونه و غیرطبیعی که فقط زمانی می توان آنرا درک کرد که با تمدن دوران فروپاشی و تباهی امپراتوری روم سنجیده شود. **گاهی می**

شنویم که مسیحیت به وضع زنان بهبودی بخشید. این یکی از موارد نمایان تحریف تاریخ است که می توان به آن دست یافت.

برتراند راسل

از کتاب «چرا مسیحی نیستم»

* * *

درواقع زبونی و کوچک شمری زن که داستانی دراز دارد، منحصر به منطقه و فرهنگی خاص نیست، و مردسالاری هنوز در بخش اعظم جهان امروز حاکم است و بسیارند جوامع پدرسالار که زن را شرّی می دانند که از بخت بد قابل اجتناب نیست و به همین علت که نمی توان از او گذشت، مردان می‌کوشند تا حوزهٔ اختیار و اقتدار ویرا هرچه تنگتر کنند واز زن تصویری معکوس تصویر خود بسازند، تا آنجا که مرد آفریدهٔ خداوند و تجسم خیر می شود و زن، مخلوق شیطان و مظهر شرّ.

جلال ستاری

از کتاب «سیمای زن در فرهنگ ایران»

* * *

خواهران! خواهرواری نوع انسان بدون خروج همگانی و واقعی [از کلیسا] پدید نخواهد آمد. ما امروز صبح می توانیم ترک دسته جمعی خود از دنیای جنسیت پرست مسیحیّت را به نمایش بگذاریم... ما واقعاً نمی توانیم به هدف سازمان یافته ای که هم اکنون وجود دارد تعلق داشته باشیم... دوران ما فرارسیده است. بیایید با برخاستن و ترک همگانی این محل، ایمان خود را به خودمان تأکید کنیم و ارادهٔ خود را به تعالی نشان دهیم.

از اولین و آخرین موعظهٔ خانم «ماری دالی»

نویسندهٔ کتاب «کلیسا و جنس دوم» [1]

---

۱. در سال ۱۹۷۱ برای نخستین بار مقامات کلیسا به خانم «ماری دالی» اجازه دادند در مقام یک روحانی در کلیسای وابسته به دانشگاه هاروارد در امریکا به موعظه بپردازد. وی سخنان بالا را بیان کرد، همراه تمامی زنان هوادارش برای همیشه دستگاه کلیسا را ترک گفت و سرسختانه با مسیحیّت خرافی ـ کلیسایی به مبارزه پرداخت.

کتابهای مورد استفاده

1. Adam, Eve, and the Serpent, Elaine Pagels, Random House, N.Y., 1988.
2. The Church and the Second Sex, Mary Daly, Beacon Press, 1985.
3. The Gospel According to Woman, Karen Armstrong, Anchor Books, N.Y., London, 1986.
4. Eunuchs for the Kingdom of Heaven, Uta Ranke-Heinemann, Doubleday, N.Y., London, 1990.
5. The Second Sex, Simon de Beauvoir, London, 1953.
6. The Paradise Papers, Merlin Stone, Virago, 1976.
7. Harem: The World Behind the Veil, A.L. Croutier, Abbeville Press, N.Y., 1989.
8. Why I Am Not A Christian, Bertrand Russell, Simon & Shuster, N.Y., 1957.

۹. بازشناسی قرآن، «دکتر روشنگر»، انتشارات پارس، سانفرانسیسکو، ۱۹۸۵.

۱۰. سیمای زن در فرهنگ ایران، جلال ستاری، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۵.

۱۱. تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۷.

۱۲. زن از نگاه آخوند، هما احسان، ناشر: نویسنده، چاپ امریکا، ۱۹۸۴.

۱۳. اندیشه های میرزا فتح علی آخوندزاده، دکتر فریدون آدمیت، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۴۹.

۱۴. اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی، دکتر فریدون آدمیت، انتشارات نوید (آلمان)، ۱۹۹۲.

۱۵. تحقیقی در دین یهود، مهندس جلال الدین آشتیانی، نشر نگارش، تهران، ۱۳۶۸.



کتاب هایی برای مردم



مترجم و نویسنده:
دکتر احمد ایرانی

کانون پخش:
کتاب فروشی شرکت کتاب
کتاب فروشی کیو مارکت

۱. **سخنانی برای اندیشیدن:** شامل بیش از ۱۰۰۰ گفتهٔ کوتاه دربارهٔ آزادی، دموکراسی، دین، دیکتاتوری، تاریخ، نویسندگی و... ۹۶ صفحه، ۴ دلار.
۲. **مبارزات دکتر مصدق:** سرگذشت دکتر مصدق و شرح مبارزات او در مجلس شورای ملی، خدمات در دوران نخست وزیری، نظرها دربارهٔ حزب توده، دفاعیات در دادگاه، ۱۲۰ صفحه، ۴ دلار.
۳. **دربارهٔ دین:** دین چگونه پیدا شد؟ نظرهای علمی دربارهٔ دین، آیا دین آسمانی است؟ رابطهٔ علم ودین چیست؟ دلیل مخالفت روحانیان با علم، جدایی حکومت و دین. ۱۲۴ صفحه، ۴ دلار.
۴. **آگاهیهای جنسی:** آگاهی جنسی چیست؟ فرهنگ ایران و موضوع جنسیت، شخصیت جنسی چیست؟ روش جلوگیری از آبستنی، آشنایی با دوران بلوغ، بیماریهای جنسی. ۱۲۰ صفحه، ۵ دلار.
۵. **نبرد دین با علم:** نویسنده: برتراند راسل، تاریخچهٔ برخوردهای بین دانشمندان و روحانیان، پیروزیهای علم و شکست های دین، ۱۸۶ صفحه، ۶ دلار.
۶. **پیام فلسفی خیام:** نظر خیام دربارهٔ خدا، وحی و قیامت چیست؟ خیام دربارهٔ جهان هستی و انسان چه نظرهایی دارد؟ ۴۲ صفحه، یک دلار.
۷. **شش انسان مبارز:** سرگذشت کوتاه و نظرهای سارتر، راسل، مارکس، ولتر، لنین و گاندی. ۱۸۳ صفحه ۴ دلار.
۸. **سخنانی برای اندیشیدن**، جلد اول و جلد دوم. هر جلد شامل بیش از ۳۰۰ گفتهٔ کوتاه درباره آزادی، دموکراسی، دین و دیکتاتوری.
هر جلد یک دلار.
۹. **آشنایی با هفت کتاب:** معرفی کتاب های: ترانه های خیام، دیوان فرخی یزدی، اسلام شناسی، بازشناسی قرآن، اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی و... ۷۲ صفحه، یک دلار.
۱۰. **فیلسوف کوبندهٔ دین:** زندگی نامهٔ ولتر و شرح مبارزات او علیه دیکتاتوری، دین و مذهب. ۳۲ صفحه، یک دلار.
۱۱. **فلسفهٔ رهایی بخش:** آشنایی با فلسفهٔ اومانیسم: فلسفهٔ آزادی، دموکراسی، کوبنده خرافات دین و مذهب و هوادار جدایی حکومت و دین. ۳۶ صفحه، یک دلار.